

نقد کتاب

تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون

مجید صدرمجلس*

چکیده

نوشته پیش‌رو بدنبال معرفی کوتاه جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، می‌کوشد تا ترجمه فارسی اثر به قلم آقای حسن مرتضوی را از دو چشم انداز صوری و محتوایی، بررسی نماید. شایان ذکر است که علاوه بر بررسی قسمت‌های مقدماتی و پایانی کتاب، بندهایی را از هر دوازده فصل متن اصلی، بطور کورکورانه گزینش کرده و سپس ترجمه را با آنها، تطبیق داده‌ایم. در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، ترتیب مطالب و کم و کاستی در ترجمه، نگریسته‌ایم. در بررسی محتوایی هم، به جنبه‌هایی مانند غلط‌های چاپی، ضبط اعلام، رسایی یا مفهوم بودن و اعتبار ترجمه توجه کرده‌ایم. از توصیه‌های این بررسی با توجه به برخی آسیب‌های تشخیص داده شده، عبارت است از عنایت بیشتر مترجم محترم به تعالیم فلسفی حوزه یونان باستان، بازنگری متن ترجمه از سوی خود ایشان و بهره‌گیری از ویراستار متخصص. وجود سهوهای قلمی در کار ترجمه، امری است ناخواسته و کم یا بیش، هر متنی که ترجمه شود، دچار آنها خواهد بود. همانطوریکه خود نوشته اصلی به عنوان کار بشری، از چنان سهوهای پیراسته نخواهد بود. اما هر گونه کوشش برای برطرف ساختن آن سهوها و رساندن آنها به کمترین میزان ممکن، احساس وظیفه اخلاقی و فکری مترجمان در قبال نویسندگان و خوانندگان متن ترجمه شده را نشان می‌هد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه فارسی، تاریخ فلسفه، جلد نخست تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، حسن مرتضوی.

*استادیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز. sadremajles@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱

۱. مقدمه

ترجمه، امر خطیری است و ترجمه آثاری که جنبه نظری و محض دارند به مراتب دشوارتر است. آثار مربوط به تاریخ فلسفه، گاهی ممکن است در مراکز آموزش عالی به عنوان متون آموزشی بکار گرفته شوند و لذا توجه به ارائه ترجمه‌ای حتی‌المقدور معتبر و روان از آنها باید مد نظر مترجمان باشد. پیش از این چند نمونه از ترجمه تاریخ فلسفه‌ها را دیده‌ایم که از آن جمله در زمینه فلسفه غرب، می‌توان به *تاریخ فلسفه غرب* اثر برتراند راسل، *تاریخ فلسفه امیل بریه*، *تاریخ فلسفه کاپلستون و تاریخ فلسفه باستان* نوشته گاتری اشاره کرد. در میان آثار نامبرده، دست‌کم بعضی از جلد‌های اثر سوم هم-اکنون به عنوان متون آموزشی مورد استفاده‌اند. دیگر آثار نیز بویژه موارد دوم و چهارم، جزو منابع معتبر و دانشگاهی‌اند.

دوره ده جلدی *تاریخ فلسفه راتلج (Routledge History of Philosophy)* نیز یکی دیگر از آثار مربوط به حوزه تاریخ فلسفه غرب است که از سال ۱۳۹۰ به بعد تا کنون شش مجلد آن به زبان فارسی ترجمه شده است. البته مترجمین متعددی در انجام این مهم، دست داشته‌اند.

نوشته حاضر ضمن معرفی اجمالی جلد نخست *تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون*، به بررسی ترجمه فارسی آن به قلم آقای حسن مرتضوی می‌پردازد. در بررسی صوری به مواردی مانند عنوان کتاب، تنظیم و ترتیب مطالب، کم و کاستی در ترجمه نگریسته‌ایم. در بررسی محتوایی هم، به جنبه‌هایی مانند غلط‌های چاپی، ضبط اعلام، یکدست بودن ترجمه اصطلاحات، رسایی یا مفهوم بودن و اعتبار ترجمه توجه کرده-ایم. افزون بر قسمت‌های آغازین (مانند صفحات عنوان و شناسه کتاب، فهرست، مقدمه ویراستار جلد نخست، معرفی نویسندگان و گاهشماری) و قسمت‌های پایانی (واژه‌نامه، فهرست منابع و نمایه‌ها)، گفتنی است که بندهایی را بطور کورکورانه از هر دوازه فصل متن اصلی برگزیده و سپس ترجمه فارسی را با آنها تطبیق داده‌ایم.

هر مورد از بررسی را با شماره‌ای که نظم بیشتری به مطالب می‌بخشد، مشخص ساخته‌ایم. حُسن دیگر این کار هنگامی هویدا می‌گردد که بخواهیم به مطالب، ارجاع دهیم. لازم است یادآور شویم که برای سهولت، اغلب کلمه ترجمه را به معنای ترجمه فارسی اثر و متن اصلی یا اصل را به معنای متن اصلی انگلیسی بکار برده‌ایم. حروف س/سس، ص/صص و حرف ش به ترتیب معادل سطر/سطرها، صفحه/صفحه‌ها و شماره بکار رفته‌اند.

در بررسی خویش، کوشیده‌ایم به حوزه سلیقه‌های شخصی وارد نشده بلکه به مواردی چون محدودیت‌ها و اختیارات مترجم در کار خویش نظر داشته باشیم. به زعم برخی گاهی ممکن است مترجم، بدون رعایت محدودیت‌های کار، ترجمه نماید که در این صورت می‌توان از تعبیر درست یا نادرست در بررسی کار بهره برد. گاهی نیز ممکن است مترجم از اختیارات خویش در ترجمه، استفاده مناسبی برده ولی ترجمه از رسایی و ویژگی تفاهم خوب میان نویسنده با خواننده برخوردار نباشد. در این صورت در بررسی، می‌توان از تعبیری چون رسایی یا نارسایی بهره برد (صفوی، ۱۳۷۱، ص ۴۶). اینجا کوشش شده است تا حد ممکن به رسم اعتدال رفتار نموده و نکاتی را که شایسته یک کار پژوهشی است سرمشق بگیریم. در این بررسی محدود، که حدود چهار پنجم آن بر پایه گزینش کورکورانه از دوازده فصل متن اصلی بوده است، فقط به نتایجی که نشانگر وضعیت نسبی کار است رسیدیم. باشد که مفید افتد. شایان ذکر است که بخاطر آنکه نوشته دیگری نیز از این نگارنده به بررسی ترجمه فارسی جلد نخست همین *تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون* به قلم آقای حسن فتحی می-پردازد، طبیعی است که برخی نکته‌های مقدمه و معرفی در هر دو مقاله، همانند هم هستند.

۲. معرفی متن اصلی *تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون* (جلد نخست)

دوره ده جلدی *تاریخ فلسفه راتلج* با ویرایش پارکینسون (G. H. R. Parkinson) و شانکر (S. G. Shanker) طی دهه پایانی قرن بیستم از سوی انتشارات راتلج (Routledge) به چاپ رسید. اصل اثر به زبان انگلیسی بوده و از کارهای نوین و مهم در باب فلسفه غربی به شمار می‌رود که جمعاً در ده مجلد، یک دوره کامل از تاریخ تفکر فلسفی را از آغاز (یونان باستان) تا دوره معاصر در بر می‌گیرد. هر جلد از این مجموعه، یک یا دو ویراستار ویژه نیز دارد. جلد نخست این مجموعه با ویرایش سی. سی. دلبلیو. تیلور (C. C. W. Taylor) در سال ۱۹۹۷ چاپ شد. ویراستار نامبرده به عنوان اهل فن، یک فصل از کتاب را نیز نگاشته است. عنوان فرعی جلد نخست تاریخ فلسفه *از آغاز تا افلاطون* بوده و خود نشانگر آن است که طی بخشهای دوازده گانه آن، برهه‌ای تقریباً دوپست و پنجاه ساله از تفکر فلسفی و علمی دوره یونان باستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از آغاز متن اصلی، قسمت معرفی اجمالی متخصصان مشارکت کننده در تألیف کتاب را شاهدیم و سپس گاهشماری (Chronology) مناسب و مفیدی آمده است که امکان سیر اجمالی حوادث مهم سیاسی، اجتماعی، فلسفی، علمی و هنری برهه مورد بحث را فراهم می‌سازد. بعد از گاهشماری، چند صفحه‌ای هم به بیان فهرست منابع دست اول اختصاص یافته است که از فیلسوفان باستان بر جای مانده است.

هر یک از فصلهای کتاب، به قلم متخصصان اهل فن نوشته شده و براین اساس، هر فصل قسمتهای یادداشت و کتاب‌شناسی ویژه خودش را دارد. فصل نخست از جهات دینی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن به بحث عمومی در باب سنت یونانی و دولت‌شهر (Polis) می‌پردازد. فصل هشتم نیز به بحثی اجمالی از علوم ریاضی (حساب و هندسه) و نجوم و موسیقی اختصاص یافته است. ده فصل دیگر به فراخور اهمیت متفکران، به تبیین و بررسی آراء فیلسوفان می‌پردازد؛ طوریکه سه فصل پایانی کتاب (فصل‌های ۱۰-۱۲) آراء افلاطون را بحث می‌کند.

افزون بر آنچه گفته شد، در پایان کتاب یک قسمت *واژه‌نامه* (Glossary) وجود دارد که به توصیف برخی اصطلاح‌های مهم و تخصصی در متن کتاب پرداخته و از این لحاظ برای خوانندگان مفید فایده است. در ادامه سه مورد *نمایه* (Index) آمده است که به ترتیب عبارتند از *نمایه عنوان‌ها* یا مطالب واقع در متن، *نمایه محل احوال فیلسوفان* در هر یک از آثار بر جای مانده فلسفی و سرانجام *نمایه نامهای خاص*.

شایسته درنگ است که امروزه در غرب بیشتر به نگارش آثاری در تاریخ فلسفه توجه می‌شود که توسط عده‌ای از متخصصان نوشته می‌شوند. افزون بر تاریخ فلسفه راتلج، به عنوان نمونه می‌توان به آثار دیگری چون *تاریخ فلسفه اسلامی* با ویرایش الیور لیمن و سید حسین نصر اشاره کرد که در ایران نیز ترجمه و چاپ شده است. به نظر می‌رسد چنین رویکرد تخصصی به تاریخ فلسفه، محاسن یا معایب ویژه خود را دارد. لکن چنین آثاری در بررسی و تحلیل مباحث از عمق بیشتری برخوردار خواهند بود.

ترجمه تاریخ فلسفه‌هایی که کار مشترک عده‌ای از اهل فن است، اطلاعات تخصصی در خور کار می‌طلبد و لذا به نظر می‌رسد همانند اصل اثر، نه تنها بایسته است که اهل تخصص به ترجمه آن برخیزند بلکه شایسته است که مترجمان متعددی در آن دخیل باشند.

البته دانش تخصصی در زمینه فلسفه یونان باستان، آگاهی از تلفظ و نقل لغات یونانی باستان، بازخوانی و بازنگری ترجمه، بهره‌مندی از ویراستار، تسلط به زبانهای

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۶۱

مبداء و مقصد و توجه به محدودیت‌ها و اختیارات در امر ترجمه، جزو لوازم اصلی کار در ترجمه چنین آثاری است. طبعاً بودن یا نبودن آن ملاحظات، ناخواسته تأثیر خود را بر محصول کار مترجم خواهد گذاشت.

۳. بررسی صوری ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون

چنانکه پیش از این اشاره شد در بررسی شکلی به مواردی مانند عنوان کتاب، تنظیم و ترتیب مطالب، کم و کاستی در ترجمه توجه کرده‌ایم.

۳-۱. عنوان اثر و ترتیب مطالب در ترجمه

ترجمه فارسی اثر نامبرده، نخستین بار به سال ۱۳۹۰ از سوی نشر چشمه، منتشر شد. مشخصات اثر، طبق روی جلد به صورت ذیل است:

تاریخ فلسفه راتلج،

جلد یکم، از آغاز تا افلاطون

ویراستار: سی. سی. تایلور، ترجمه‌ی حسن مرتضوی

کتاب در قطع کوچک با جلد ضخیم، در ۷۸۰ صفحه و ۲۵ سطر در هر صفحه، ترجمه‌ای از همه متن اصلی را دربردارد. ترجمه اثر بدون همکاری مترجمی دیگر یا ویراستار، انجام پذیرفته و مترجم محترم نیز هیچ مقدمه یا توضیحی بدان نیافزوده است. چنانکه پیداست عنوان ترجمه با عنوان اصل مطابقت دارد و به سادگی نشان می‌دهد که اثر پیش رو، نویسنده یا نویسندگانی غیر از ویراستار دارد. البته نام ویراستار، بدون ذکر حرف مخفف دبلیو آمده است؛ چون نام ایشان در متن اصلی به صورت 'C. C. W. Taylor' ضبط شده است. اما در صفحه شناسه از ترجمه، نام ویراستار دو بار به صورت کامل تیلور، کریستوفر چارلز ویستن درج شده است. از سوی دیگر در صفحه‌های ۵، ۸ و ۱۴ نام ویراستار به صورت س. س. و. تایلور ضبط شده است. بدین ترتیب شاهد هستیم که نام ویراستار، در عنوان یا متن ترجمه با اندکی تفاوت ضبط گشته است. حال آنکه اساساً در مورد اسامی خاص، همیشه یکدستی در ثبت باید مد نظر باشد.

صفحات قسمت گاهشماری در متن اصلی، به صورت چهار ستون در یک صفحه آمده است. بطوریکه امکان تطبیق حوادث هر چهار ستون با همدیگر به راحتی مقدور است. اما در ترجمه، احتمالاً بخاطر کوچکی قطع کتاب، در هر صفحه دو ستون آمده است و لذا به راحتی امکان تطبیق همه حوادث وجود ندارد. در ترجمه ابتدا دو ستون

۱- سیاست و مذهب و ۲- هنر و سپس دو ستون دیگر ۳- علم و فناوری و ۴- فلسفه می‌آید. بدین ترتیب تقریباً هر صفحه از قسمت گاهشماری در متن اصلی، طی سه چهار صفحه از متن ترجمه درج شده است.

همه مطالب کتاب به همان ترتیبی که در متن اصلی است در ترجمه فارسی آمده و تنها در یک مورد ترتیب مطالب ترجمه با ترتیب مطالب اصل همخوانی ندارد. در متن اصلی پس از قسمت گاهشماری، قسمتی به نام فهرست منابع (صص xxiv-xxvi، List of Sources) آمده است که همین قسمت در متن ترجمه به اواخر کتاب یعنی صفحات ۵-۷۶۱ برده شده است. لازم به ذکر است که این فهرست، منابع اصلی را که از خود فیلسوفان به شکل کتاب یا پاره‌های باقیمانده از کتابها است، دربردارد. مترجم محترم، فهرست نامبرده را بدون ترجمه، در متن فارسی درج کرده‌اند.

در پایان متن اصلی، سه نمایه (Index) آمده است که به ترتیب عبارتند از نمایه عناوین یا موضوعات (ص 466)، نمایه محل اقوال فیلسوفان (ص 473) و سه دیگر نمایه نامهای خاص (ص 488). اما در متن ترجمه، تنها با یک نمایه (صص ۷۷-۷۶۷) روبرو هستیم که یکجا بر اعلام و امکانه مشتمل است.

در متن اصلی، نخستین بند یا پاراگراف هر فصل و همچنین بندهای نخست که ذیل عنوانهای فرعی آمده‌اند، بدون هر گونه تورفتگی آغاز شده‌اند. مابقی بندها با چندین حرف تورفتگی شروع می‌شوند. هر گونه نقل قول مستقیم در متن اصلی با حروف هم-اندازه حروف معمولی متن ثبت شده است. حاشیه‌چپ همه سطرهای آن نقل قولها با تورفتگی همراه است و بلافاصله پس از نقل قول نیز، مأخذ آن درج گردیده است. در ترجمه فارسی نیز همه این موارد رعایت شده و حتی نقل قولها بخاطر آسانی در تشخیص، با حروف ریزتری نسبت به حروف متن چاپ شده‌اند.

در متن اصلی با دو گونه شماره‌گذاری صفحات روبرو هستیم: ۲۶ صفحه مقدمات با اعداد لاتین (I, ii, iii-xvi) و بقیه متن که از مقدمه و پرستار آغاز می‌شود با اعداد انگلیسی از رقم یک (1) شماره‌گذاری شده است. لکن متن ترجمه از همان ابتدا بدون تفکیک مقدمات از بقیه مطالب، از نخستین برگ دارای شماره محسوب شده و نخستین بار در سمت چپ برگ سوم، رقم ۶ درج گشته است.

یادداشتهای هر فصل، جدا از فصل‌های دیگر است که البته مترجم محترم، همه آنها را به طور کامل ترجمه نکرده‌اند (ر.ک. به بند ۲ از بررسی صوری). بعد از یادداشتهای هر فصل، قسمت کتاب‌شناسی آمده است که در ترجمه فارسی به همان صورت متن

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۶۳

اصلی درج شده است. داخل متن ترجمه، از بابت یادداشتهای دوگانه شماره به چشم می‌خورد: نخست شماره‌های بین الهالین که روی خط زمینه قرار گرفته و بر یادداشتهای هر فصل از متن اصلی ارجاع دارند. دوم شماره‌های ریزتر که در سمت چپ کلمه‌ها یا عبارتها و بالاتر از خطوط زمینه آمده‌اند و تماماً بر پاورقیهای ذیل هر صفحه ارجاع دارند. همه این پاورقیهای واقع در ذیل صفحات، افزوده مترجم محترم است.

۲-۳. یادداشتهای و پاورقیهای افزوده شده از سوی مترجم

مترجم محترم، در بعضی از صفحات برای توضیح برخی اصطلاحها یا نامهای خاص، یادداشتهایی (مانند صص ۹-۲۸ مربوط به قسمت گاهشماری) و پاورقیهایی را داخل متن (مانند صص ۱۴۰، ۲۰۸، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۵۳ و ۴۹۰) افزوده‌اند که به لحاظ آموزشی نکته‌های مفیدی را دربردارند. البته گفتنی است که همه این موارد با حرف "م" به نشانه "مترجم"، مشخص شده‌اند. افزون بر اینها، بعضی پاورقیها نیز وجود دارند که معادلهای خارجی (معمولاً انگلیسی یا یونانی) را بدست می‌دهند. لازم به ذکر است پاورقیهایی که معادلهای خارجی را ضبط می‌کنند، از سمت چپ آغاز می‌شوند. در این خصوص فقط یک نقص به چشم می‌خورد و آن نیاوردن هیچ گونه مأخذ یا مأخذ برای یادداشتهای افزوده شده است. به نظر می‌رسد لازم بوده است، مترجم محترم جهت حفظ اصالت کار، طی توضیحی منابع یادداشتهای خویش را درج نمایند.

۳-۳. ترجمه ناقص قسمت یادداشتها در بعضی از فصلها

هر یک از فصلهای دوازدهگانه، به تنهایی دارای یادداشتهای اندک یا فراوانی هستند. بدنبال یادداشتهای نیز، قسمت کتاب شناسی هر فصل آمده است. در باره ترجمه یادداشتهای، گفتنی است که مترجم محترم اولاً بطور یکدست به ترجمه همه موارد اقدام نکرده و ثانیاً برای این کار به شاید ملاک مشخصی نیز مد نظر نبوده است. در باره نکته نخست می‌توان دید که در فصلهای سوم: *آناکساگوراس و اتم‌باورها* با شش یادداشت (صص ۴۱۳-۴۱۲)، پنجم: *امپدوکلس* با یک یادداشت (ص ۳۵۷) و دوازدهم: *افلاطون: زیبایی شناسی و روانشناسی* با هشتاد و یک یادداشت (صص ۴۵-۷۳۵)، همه یادداشتهای ترجمه شده‌اند. اما در فصلهای دیگر، خواه زیاد خواه کم، برخی

یادداشتها ترجمه نشده‌اند. مثلاً در فصل دوم: *یوننی‌ها* از تعداد ۶۰ یادداشت (ص ۱۶۴-۱۵۷)، حدود ۴۰ یادداشت ترجمه نشده است. یا در فصل نهم: *سقراط و آغازگاه‌های فلسفه اخلاق*، از مجموع ۸۸ یادداشت (صص ۵۸۳-۵۷۱)، حدود ۵۵ یادداشت ترجمه نشده است.

در خصوص فقدان ملاک مشخص برای ترجمه کردن برخی یادداشتها و ترجمه نکردن برخی دیگر، گفتنی است که نه توضیحی از سوی مترجم وجود دارد و نه می‌توان گفت یادداشت‌های ترجمه نشده، فقط ارجاع صرف به منابع بوده‌اند. نگاهی کوتاه به یادداشت‌های ترجمه نشده از دو فصل یاد شده در بالا، نشان می‌دهد که موارد متعددی از یادداشتها، دارای مطالب محتوایی بوده و با این همه، ترجمه نشده‌اند. نیز می‌توان به یادداشت ۴۱ در ص ۲۲۲، یادداشت‌های ۴۶، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ در ص ۲۲۳ و یادداشت‌های ۸۱ و ۸۸ در ص ۲۲۶ اشاره کرد که همگی از فصل سوم: *هراکلیت* بوده و ارجاع صرف نیستند.

در مورد قسمت کتاب‌شناسی (Bibliography) هر فصل، به نظر می‌رسد ترجمه امری ضروری نبوده و مترجم محترم نیز آنها را به همان صورت در پایان هر فصل آورده‌اند.

۴. نقد محتوایی ترجمه فارسی *تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون*

در بررسی محتوایی، به مواردی از قبیل ذیل پرداخته‌ایم: غلط‌های چاپی، قرائت و ضبط بعضی لغات یونانی، یکدست بودن ترجمه برخی اصطلاحات، کاربرد برخی کلمه‌های بیگانه و نامأنوس، آوردن برخی معادل‌های خارجی و وجود برخی کلمه‌ها و عبارتها که نامفهوم یا نادرست ترجمه شده‌اند.

۴-۱. غلط‌های چاپی واقع در ترجمه

در قسمت‌های بررسی شده از کتاب به ندرت غلط‌های چاپی به چشم می‌خورد که از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- *کالج بیربک* (ص ۱۴، س ۶) که درست آن *کالج بیربک بک* (Birkbek College) است.
- ۲- نام خاص *آریستنس* (ص ۲۷، ستون فلسفه) که درست آن *آنتیستنس* (Antisthenes) است.

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۶۵

۳- در صص ۱۷۸ و ۱۷۹ عبارت یا کلمه‌های یونانی آمده است که حروف برخی از کلمات آنها دور از همدیگر چاپ شده‌اند: 'e thos'، 'e thosanthro op I daimo n' و 'gnomai'

۴- اسم خاص Oropheus (پاورقی شماره ۱ از ص ۲۳۶) که درست آن Orpheus است.
۵- ایزد یونانی هفستائوس (۲ مورد در س ۱۶ از ص ۵۶۰) که درست آن هفایستوس (Hephaestus) است.

۶- محاوره هیپاس کوچک (۲ مورد در سطرهای ۱۳ و ۱۵ از ص ۵۶۳) که درست آن هیپاس کوچک (Hippias Minor) است.

۷- از قسمت *واژه‌نامه*: مدخل *برهان استعلائی* (transcendental arqument) (ص ۷۵۰) که درست آن *transcendental argument* است و مدخل همگن (homoeomerous) (ص ۷۵۹) که درست آن homoeomerous است.

۴-۲. قرائت و ثبت نادرست برخی اعلام یونانی

به عنوان نمونه در قسمت *گاشماری*، تعدادی از نامهای خاص یونانی به صورتی نادرست قرائت و ثبت شده‌اند. علت این امر شاید توجه کم به چگونگی انتقال و نگارش کلمات یونانی در زبان انگلیسی باشد. مثلاً حرف یونانی (χ) با تلفظ (خ)، در کلمات یونانی منتقل شده به زبان انگلیسی اکثراً به صورت (ch) ثبت و نگارش یافته است. نیز حرف یونانی (υ) با تلفظ (او) در کلمات منقول یونانی، به صورت حرف (γ) ثبت شده است. لذا نام یونانی Archytas را اگر بخواهیم نزدیک به تلفظ یونانی آن اداء کرده و بنویسیم باید به صورت *آرخوتاس* ثبت کنیم. همچنین است حرف یونانی (κ) با تلفظ (ک) که در کلمات منقول، اکثراً به صورت حرف (C) ثبت شده است.

برخی از این موارد که در ترجمه فارسی نامناسب یا نادرست ثبت شده‌اند عبارتند از:
۱- نام *آیسخیلوس* (Aeschylus) (ستون هنرها، ص ۲۰) که تلفظ نزدیک‌تر آن به یونانی *آیسخولوس* است.

۲- نام *هیپوکراتس اهل چیوس* (Hippocrates of Chios) (ستون علم و فناوری، ص ۲۲) که تلفظ نزدیک‌تر آن *هیپوکراتس اهل خیوس* است.

۳- عبارت *صلح نیسیاس* (Peace of Nicias) (ستون سیاست و مذهب، ص ۲۳) که تلفظ نزدیک‌تر آن *صلح نیکياس* است.

- ۴- نام *آلسیبیادس* (Alcibiades) (ستون سیاست و مذهب، ص ۲۵) که تلفظ نزدیک‌تر آن *آلکیبیادس* است.
- ۵- نام *تئودوراس سیرنه‌ای* (Theodorus of Cyrene) (ستون علم و فناوری، ص ۲۶) که تلفظ نزدیک‌تر آن *تئودوروس کورنه‌ای* است.
- ۶- نام *آرکیتاس* (Archytas) (ستون علم و فناوری، ص ۲۷) که تلفظ نزدیک‌تر آن *آرخوتاس* است. نام *آشینیس* (Aeschines) (ستون فلسفه، همان ص) که تلفظ نزدیک‌تر آن *آیسخینس* است.

۴-۳. یک‌دست نبودن ترجمه بعضی اصطلاح‌ها

به نظر می‌رسد هنگامی که فضای بحث، واحد است یا موضوع بحث راجع به یک فیلسوف است، درست‌تر آن است که اصطلاحات به صورت یک‌دست ترجمه شوند. مگر آنکه دلیل یا قرینه‌ای برای ترجمه متنوع موجود باشد. در این خصوص مترجم محترم بعضاً از اصطلاح واحد، ترجمه متنوع بدست داده‌اند که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- در فصل پنجم ذیل عنوان *نظریه‌ی عناصر* (ص ۳۱۳)، از دو گونه علت در نگاه امپدوکلس بحث می‌شود که مترجم محترم آنها را به ترتیب به *philia* (عشق، دوستی) و *neikos* (نزاع، تنفر) (سس ۱۱-۱۲، ص ۳۱۹) ترجمه کرده‌اند. معادل‌های این اصطلاحات در متن اصلی (س ۲۷، ص ۱۸۲) عبارتند از '*philia* (love, friendship)' و '*neikos* (strife, hate)'. اصولاً انتظار می‌رود اصطلاح‌های نامبرده در بقیه صفحات که از امپدوکلس بحث می‌کنند، به صورت یک‌دست ترجمه شوند. در حالیکه در ترجمه اصطلاح واحد، شاهد تنوع هستیم؛ بدین معنی که از محدوده معانی بدست داده شده در ترجمه *philia* (عشق، دوستی) و *neikos* (نزاع، تنفر)، بعضاً گرفته نشده است؛ البته ترجمه نادرست نیست و لیکن کاربرد الفاظ *ستیزه‌جویی* و *ستیزه*، موجب نوعی دوری از متن است.

الف: در نقل قول پایین صفحه (ص ۳۱۹) کلمه *ستیزه‌جویی* در ترجمه '*strife*' (س آخر، ص ۱۸۲ از متن اصلی) آمده است. البته بهتر بود مانند چند سطر پیش به *نزاع* ترجمه شود.

ب: عبارت *عشق و نفرت* (س ۱۵، ص ۳۲۰) در ترجمه '*love and hate*' (س ۱۶، ص ۱۸۳ از متن اصلی).

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۶۷

ج: عبارت عشق و ستیزه (س ۲۱، ص ۳۲۰) در ترجمه 'love and strife' (س ۲۲، ص ۱۸۳ از متن اصلی) که بهتر بود به عشق و نزاع ترجمه گردد.

۲- نمونه دیگری از یکدست نبودن ترجمه اصطلاح، عبارت است از ترجمه کلمه 'sanction'. کلمه نامبرده طی دو پارگراف از متن اصلی بکار رفته و مترجم محترم در ترجمه آن از سه معنای کم و بیش متفاوت بهره برده است:

الف: عبارت موانع اخلاقی و موانع قراردادی (سس ۸ و ۱۱، ص ۴۰۷) در ترجمه عبارتهای 'the sanctions of morality' و 'conventional sanctions' (س آخر، ص ۲۳۶ و س ۲، ص ۲۳۷ از متن اصلی).

ب: عبارت اصول اخلاقی آسمانی (س ۱۸، ص ۴۰۷) در ترجمه عبارت 'divine sanctions' (س ۱۰، ص ۲۳۷ از متن اصلی).

ج: عبارتهای مجازات بیشتر و مجازات درونی (سس ۶ و ۸، ص ۴۰۸) در ترجمه عبارتهای 'further sanction' و 'internal sanctions' (سس ۲۲ و ۲۳ و س ۲۵، ص ۲۳۷ از متن اصلی).

در عین حال ضمن همان بند اخیر از متن فارسی (سس ۳ و ۵ و ۶، ص ۴۰۸) عبارت‌های مجازات‌های آسمانی و مجازات آسمانی را می‌بینیم که در ترجمه عبارت 'divine punishment' (سس ۱۹ و ۲۲، ص ۲۳۷) آمده‌اند. به نظر می‌رسد، چنین تنوعی باعث آشفتگی متن ترجمه است.

۳- در قسمت یادداشت‌هایی در باره نویسندگان (صص ۱۳-۱۵)، نیز، ترجمه واحد از دو اصطلاح متفاوت را شاهد هستیم. در معرفی آ. و. پرایس (ص ۱۴) عبارت مدرس در فلسفه در ترجمه عبارت 'Lecturer in Philosophy' (ص xi از متن اصلی) آمده است و در معرفی مالکوم شوپیلد، نیز عبارت مدرس در فلسفه‌ی باستان (ص ۱۴)، در ترجمه عبارت 'Reader in Philosophy' (ص xi از متن اصلی) آمده است. در سنت محافل آکادمیک غربی، اصطلاح‌های 'Lecturer' و 'Reader' لابد بر دو مقام متفاوت دلالت دارند و نمی‌توان آن‌دو را یکی گرفت.

با توجه به موارد ذکر شده، اگر هم مترجم محترم استنباط دیگری داشته است، به نظر می‌آید ضرورت داشته است بدان اذعان نمایند.

۴-۴. به کاربردن بعضی کلمات یا اصطلاحات خارجی بیگانه و نامأنوس

نمی‌توان ادعا کرد که یک زبان هیچ نیازی به زبانهای دیگر نداشته و لازم نیست از آنها وام گیرد. لکن هنگامی که در زبان فارسی، خواه کلمه‌های اصیل فارسی یا کلمه‌های عربی مناسب هست، به نظر می‌رسد مترجمان در بکارگیری کلمه‌های خارجی که

با فرهنگ جامعه بیگانه‌اند، باید دقت و احتیاط بیشتری داشته باشند. زبان عربی و بسیاری از کلمات یا عبارتهای آن، خواه ناخواه بخشی از فرهنگ جامعه ما شده است و از کاربرد ناگزیریم. بهره‌مندی از آنها به صورت درست و بجا و به اندازه، مطلوب هم خواهد بود.

در ترجمه تاریخ فلسفه راتلج، بعضاً شاهد کاربرد کلمه‌های خارجی بیگانه یا نامأنوس هستیم که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تکنیک (س ۱۴، ص ۱۰)، کلاسیک (س ۱ و ۲، ص ۱۴)، کنترل (س ۳ از پایین، ص ۳۲)، موجودیتی تئوریک (س ۲، ص ۳۳)، فیزیکی و کنترل (س ۲۲-۲۱، ص ۳۳)، جهان پولیس باستانی و کلاسیک (س ۱۳، ص ۴۴)، ایدئولوژی پولیس یونان (س ۵، ص ۴۵)، ایده‌آل کردن (س ۹، ص ۲۳۶)، ایده‌هایی و ایده‌های (سس ۱۵ و آخر، ص ۲۳۶)، ریاضیات مدرن و فرمول بندی (یادداشت ۴۷، ص ۲۹۸)، تحت کنترل و ساختار ماتریالیستی (سس ۱۴ و ۱۹، ص ۳۵۲)، جهان فیزیکی (عنوان واقع در ص ۳۶۳)، از لحاظ تئوریک (سس ۲۱ و ۲۴، ص ۳۸۲) و اثره‌های درک شده (س ۱۸، ص ۴۴۹).

از میان آنچه نقل شد، شاید بتوان گفت کلماتی مانند کلاسیک، ایدئولوژی یا فیزیکی در مواردی جاافتاده بوده و کاربردشان چندان نامأنوس نیست. حتی چه بسا کاربردشان لازم هم بوده تا تفاوت معنی، نگهداشته شود (مانند ترجمه 'the natural world' به "جهان طبیعی" (س ۸، ص ۳۶۱) و ترجمه 'the physical world' به "جهان فیزیکی" (عنوان فرعی، ص ۳۶۳). لیکن برای برخی از کلمه‌های نامبرده، معادل‌های مناسب و جاافتاده‌تری وجود دارد که می‌توان بکار برد. البته طبعاً جهت راهنمایی خوانندگان بهتر خواهد بود که در پاورقی، معادل‌های خارجی و بیگانه بیابند. به هر حال در خصوص لغتهای بکار رفته در بالا، وجود معادل‌های رایج و مانوس که در بیشتر موارد به نحو خوبی رسا هستند، قابل انکار نیست: مانند فن/صناعت، متعارف/مرسوم، مهار/مراقبت، نظری/انتزاعی، دولت‌شهر، آرمانی، مثال/رأی/تصور/اندیشه، نوین، تدوین/صورت بندی، ماده‌گرایانه و متعلق.

۴-۵. نیاوردن معادل در جایی که آوردن آن لازم بوده است

در بعضی صفحات مشاهده می‌کنیم آوردن معادل خارجی که لازم بوده، نیامده است. لازم بودن به خاطر آن است که خود نویسنده در متن اصلی، معادل را بدست داده است. البته بعضی موارد هم هست که بهتر بود خود مترجم معادل آنها را از

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۶۹

برای روشنگری هر چه بیشتر ذهنیت خواننده، درج می‌کردند. در زیر به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱- مصدر فلسفیدن (س ۱، ص ۴۳) که در ترجمه مصدر یونانی 'philosophein' (س ۲، ص ۹) آمده است. در ترجمه، کلمه یونانی نیامده است.

۲- کلمه خرد (سطر آخر، ص ۴۳) که در ترجمه عبارت 'sophia'-wisdom' (س ۱۳، ص ۹) آمده است. در ترجمه، هیچ یک از کلمه‌های یونانی و انگلیسی نیامده‌اند. ثانیاً درست‌تر آن است که کلمه نامبرده به حکمت/خردمندی ترجمه شود.

۳- نام کتاب چکیده‌های کلمنت (س ۹، ص ۱۴۴) که در ترجمه 'Clement Miscellanies' (س ۷، ص ۷۱) آمده است. در ترجمه، به عنوان اصلی کتاب اشاره نشده است. ثانیاً درست‌تر آن است که عنوان کتاب به جُنگ/گلچین کلمنت ترجمه شود.

۴- نام کرتون و عبارت بنیاد پان هلنی توری (سس ۷-۶، ص ۳۰۹) که در ترجمه 'Croton' و 'Pan-Hellenismfoundation of Thurii' (سس ۱۴-۱۳، ص ۱۷۶) آمده‌اند. در ترجمه به هیچ یک از موارد اشاره نشده است. ثانیاً بهتر آن است که نام به صورت کروتون و عبارت به صورت بنیاد تماماً-یونانی ثوری ترجمه شود.

۵- کلمه دیو (دو بار، سس ۷ و ۱۳، ص ۳۵۲) و نامهای خاص کپیریس/آفرودیت (س ۸، همان ص) که به ترتیب در ترجمه 'daimon' (دو بار، سس ۲۳ و ۲۹، ص ۲۰۲) و 'Kypris/Aphrodite' (سس ۴-۲۳، همان ص) آمده‌اند. به هیچیک از معادلها اشاره‌ای نشده است. ثانیاً کلمه دیو، در سنت ما ایرانیان بار منفی دارد. بویژه که این بار منفی، رگه‌ای از تعالیم زردشتی را نشان می‌دهد که با اهریمن و دیوهای مطیع وی، سر مخالفت دارند. بنابراین ترجمه کلمه یونانی 'daimon' به دیو که بار معنایی آن در سنت یونانی، موجودات غیرمادی اعم از نیک یا شریر را در بر می‌گیرد، نادرست است. چنانکه الهه عشق (Eros) یکی از دایمون‌ها و میان ایزدان اساطیری و آدمیان، نقش رابط را ایفا می‌نماید است. سوم آنکه تلفظ درست‌تر نام خاص 'Kypris' عبارت است از کوپریس. (ر.ک. به بند شماره ۲ از قسمت بررسی محتوایی).

۶- در صفحه‌های ۵۳-۴۵۱، نامها یا عبارتهایی هست که عیناً بدون ترجمه درج شده‌اند. مانند "Dissoi Logoi"، "Anonymus Iambilichi" و "Protrepticus of Iambilichus" (صص ۶۶-۲۶۵ از متن اصلی). ترجمه موارد نامبرده عبارتند از "دلایل دوگانه"، "یامبلیخوس ناشناس" و "کتاب ترغیبیه اثر یامبلیخوس".

۷- در قسمت *واژه‌نامه* سه واژه بدون معادل فارسی و خارج از ترتیب حروف الفبا، فقط به صورت انگلیسی درج شده است که عبارتند از: 'Eidolon'، 'dunamis' و 'elenchus' (ص ۷۴۷ از ترجمه). دو واژه نیز به همان صورت اصلی و بدون معادل در صفحه بعد آمده است که عبارتند از: 'epimoric' و 'tetraktus' (ص ۷۴۸ از ترجمه). ترجمه واژه‌های نامبرده عبارتند از: "قوه/توان"، "تصویر"، "روش ابطال/آزمون"، "پی-موریک، نوعی تناسب" و "تراکتوس/چهارتائی". سه واژه نیز در همین قسمت واژه‌نامه، بدون معادل خارجی آمده است که عبارتند از "آداب قهرمانی" (ص ۷۴۸) و "دیالکتیک" و "رسالت ابطال سقراطی" (هر دو در ص ۷۵۳). معادل خارجی این اصطلاحات عبارتند از: 'dialectic' (ص ۴۵۷ از متن)، 'elenctic mission' (ص ۴۵۸ از متن) و 'heroic code' (ص ۴۵۹ از متن).

۴-۶. قرائت شتابزده یا نادرست بعضی لغت‌ها و عبارت‌ها

برخی کلمه‌ها را در ترجمه فارسی می‌بینیم که به نظر می‌رسد از نوعی شتاب در قرائت، ناشی شده‌اند. متنها حاصل عبارت است از کلمه‌ها یا عبارتهایی که با متن اصلی سازگار نبوده و خلاف متن اصلی هستند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عبارت *ساختار اسقرائی* (مدخل یان مولر، ص ۱۳) در ترجمه 'Deductive structure' (مدخل Ian Mueller، ص x). تعبیر موافق متن عبارت است از *ساختار قیاسی*.

۲- کتاب *دموها: کشف آتیکای کلاسیک* (س ۲، ص ۱۴) در ترجمه 'Demos: The Discovery of Classical Attika' (س ۱، ص xi). کلمه یونانی 'Demos'، به معنی "توده مردم/عوام" است. در حالیکه مترجم محترم آنرا جمع شمرده و به *دموها* ترجمه نموده است.

۳- کلمه *فیزیولوژیکی* (س ۱۹، ص ۳۲) در ترجمه 'psychological' (س ۹، ص ۲)؛ که تعبیر موافق متن، *روانشناختی* است.

۴- کلمه *فیزیولوژی* (عنوان فرعی در ص ۳۹۳) در ترجمه 'psychology' (عنوان فرعی در ص ۲۲۸)؛ که لغت موافق متن، *روانشناسی* است.

۵- کتاب‌های *علیه ریاضیات* (س ۳، ص ۳۹۸) و *خطوط کلی مکتب فیرویی* (س ۵، همان ص) در ترجمه دو عنوان 'Adversus Mathematicos' (س ۶، ص ۲۳۱) و 'Outlines of Pyrrhonism' (سس ۷-۸، همان ص) که هر دو از آثار سکستوس

نقد کتاب «تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون» ۱۷۱

امپریکوس اند. ترجمه درست نام کتاب نخست با توجه به معنای لغت یونانی 'Mathematicos' عبارت است از *علیه دانشوران/ علیه اهل تعلیم*. در عنوان کتاب دوم نیز کلمه 'Pyrrhonism' به اشتباه مکتب فیرویی قرائت شده است که تعبیر موافق متن، مکتب پیرونی/مذهب پیرونی است.

۶- اصطلاح متناسب (دو بار در سس ۱۳ و ۱۴، ص ۴۶۷) در ترجمه 'incommensurable' (دو بار در سس ۳ و ۵، ص ۲۷۵). این اصطلاح در مواردی مانند نامتناسب یا نامتوافق بودن ضلع مربع با وتر آن بکار می‌رود. اما در ترجمه فارسی، به صورت کلمه متناسب درج شده که معادل درست نامتناسب است.

۷- نام فیثاغورث (س ۱۳، ص ۵۴۰) در ترجمه 'Protagoras' (س ۳، ص ۳۲۴). عبارت "مربوط به فیثاغورث" (مدخل پروتاگوراس، ص ۷۵۰) در ترجمه 'Pertaining to Protagoras' (مدخل 'Protagorean'، ص ۴۶۱)، که تعبیر موافق متن، مربوط به پروتاگوراس است.

۴-۷. ترجمه نامفهوم یا نادرست بعضی واژه‌ها و عبارات‌ها

ضمن ترجمه فارسی با بعضی واژه‌ها یا عبارتها و جمله‌ها روبرو می‌شویم که گاهی مبهم و نامفهوم یا چه بسا نادرست‌اند. نمونه‌هایی از مورد نامبرده عبارتند از:

۱- «... بسیاری از ایزدهای شاعران با ... دریا یا زمین همانند گرفته می‌شدند...» (سس ۱۲-۱۱، ص ۳۲).

'... many of the divinities of the poets were themselves identified with ... the sea or the earth ...'.

(س آخر از ص ۱ و سس ۲-۱ از ص ۲ متن اصلی)

می‌بینیم که فعل 'were identified with' به "همانند گرفته می‌شدند" ترجمه شده است. حال آنکه با توجه به فرهنگهای اصیل، می‌توان به معنای "یکی گرفتن/ یک شمردن" نیز در برابر مصدر 'identify sth. With sth.' پی برد. از سوی دیگر توجه به اساطیر یونانی که ستارگان و سیارات یا زمین و آفتاب و دریا و مانند آنرا از ایزدان به شمار می‌آرند، موجب خواهد شد که به ترجمه درست عبارت برسیم. ترجمه پیشنهادی: «بسیاری از ایزدهای شاعران، خودشان ... با دریا یا زمین یکی گرفته می‌شدند.»

۲- «... برخلاف پیشینیان اسطوره‌کننده‌ی خود...» (س آخر از ص ۳۲ و س اول از ص ۳۳).

'... as those of mythologizing predecessors were not, ... !

(س ۱۸-۱۷، ص ۲)

عبارت فارسی نامفهوم و مبهم است و به نظر می‌رسد بخاطر آن است که برابریابی دستوری انجام پذیرفته است. در زبان فارسی رایج بی‌معنی است که برای انجام برخی موارد از مصدر کردن استفاده شود. مثل خانه کردن یا اسطوره کردن. ناگفته نماند که در متن اصلی نیز لغت 'predecessors' غلط چاپی بوده و درست آن 'predecessors' است. ترجمه پیشنهادی: «برخلاف پیشینیان اسطوره‌پرداز خویش...».

۳- «... نیاز به مفهومی از امر آسمانی ... یکی از عناصری است که در مسیحیت‌زایی فلسفه‌ی یونانی تداوم یافت.» (س ۱۶-۱۳، ص ۳۳).

'... the demand for a conception of the divine ... is one of the elements which was taken over in the Christianization of Greek philosophy.'

(س ۳۵-۳۱، ص ۲)

تعبیر "امر آسمانی"، در اینجا اساساً با توجه به کلمه 'the divine'، معنی مجازی است و به راحتی معنی حقیقی کلمه انگلیسی را نمی‌رساند. معادل مناسب، همان معنی حقیقی الوهیت/امر الهی خواهد بود. اما مشکل دیگر در عبارت بعدی است و آن بخاطر ترجمه نادرست واژه 'Christianization' به مسیحیت‌زایی است. مراجعه به فرهنگ‌های اصیل نشان می‌دهد که معنی کلمه انگلیسی عبارت است از صبغه/رنگ مسیحی پذیرفتن. لذا منظور نویسنده روشن است و بر فلسفه یونانی که بعد از ظهور مسیحیت صبغه مسیحی می‌پذیرد دلالت دارد. در حالیکه ترجمه، مطلب را کاملاً وارونه کرده است. ترجمه پیشنهادی: «نیاز به مفهومی از الوهیت ... یکی از عناصری است که در مسیحی‌مآب شدن فلسفه یونانی غلبه یافت.»

سه مورد نمونه‌ای که بیان شد، از قسمت مقدمه ویراستار است و نشان می‌دهد که ترجمه فارسی، ذهنیت‌هایی متفاوت از آنچه مقصود نویسنده است ارائه می‌دهد. جهت پرهیز از طولانی شدن بهتر است به قسمتهای دیگری از کتاب نظر افکنیم.

۴- «این شرح‌های قرن چهارم پیش از میلاد ... کم‌وبیش ایده‌آل کردن نابهنگام وی هستند.» (س ۹-۸، ص ۲۳۶)

'... these fourth century accounts ... are more or less anachronistic idealizations.'

(سس ۴-۲۲، ص ۱۲۸)

اولاً در متن هیچ اشاره‌ای به پیش از میلاد وجود ندارد. لذا آوردن چنین تعبیری گوئی فراتر رفتن از متن است که اعتباری ندارد. ثانیاً فضای بحث نشان می‌دهد که شرح حال‌هایی درباره فیثاغورث ساخته و پرداخته شده که با حوادث واقعی زندگی فیثاغورث مطابقت ندارند. اما تعبیر نامانوس / ایده‌آل کردن نابهنگام، عبارت را مبهم ساخته است. از یک سو لغتی بیگانه در آن بکار رفته و از سوی دیگر کلمه نابهنگام به راحتی معنای لغت 'anachronistic' را نمی‌رساند. تعبیر نابهنگام، معنای زودتر / دیرتر بودن از زمان خاص و ناگهانی بودن را در بر دارد و در اینجا، معنای نخست مد نظر است. ترجمه پیشنهادی: «این گزارش‌های قرن چهارم ... کم‌وبیش، خیال‌پردازیهای غیرمطابق با تاریخ [فیثاغورث] هستند.»

۵- «... قلب نامتحرک واقعیت فراگیر ...» (س ۳، ص ۲۴۰)

'... the unmoving heart of well-rounded realty'

(نقل قول، سس ۲-۱، ص ۱۳۱)

تعبیر فراگیر در ترجمه 'well-rounded' نادرست است. پارمنیدس، وجود را امری کامل شمرده و اذعان دارد که بسط آن از مرکز تا پیرامون و از هر طرف به یکسان است. از سوی دیگر ذهنیت یونانیان را مبنی بر کامل بودن شکل کروی، باید به خاطر آوریم. با توجه به این دو مطلب، آشکار می‌شود که پارمنیدس از کاملاً کروی بودن وجود واحد سخن می‌گوید. ترجمه پیشنهادی: «قلب نامتحرک واقعیت کاملاً کروی / گرد ...».

۶- «تعریف درست x نه تنها باید با x همزیستی داشته باشد بلکه ماهیت x را روشن کند ...» (دو سطر آخر، ص ۵۹۲)

"The correct definition of x should not only be coextensive with x but illuminate the nature of x."

(سس ۶-۱۵، ص ۳۵۷)

ابهام و نادرستی عبارت، در بکاربردن لغت همزیستی ریشه دارد. شاید مترجم در قرائت دچار شتاب شده و آنرا 'coexistence' خوانده و به همزیستی ترجمه کرده‌اند. نیز مشکل اصلی بخاطر کم توجهی به فضای جمله است که از مقام تعریف / مفهوم و مقام متعلق تعریف / مصداق صحبت می‌کند. با توجه به اصطلاحات منطقی مفهوم (intention) و مصداق (extension)، راحت‌تر می‌شود به مقصود نویسنده دست یافت.

در واقع نویسنده از انطباق یا مساومت میان تعریف X با خود X سخن می‌گوید. ترجمه پیشنهادی: «تعریف درست X نه تنها باید با خود X انطباق داشته باشد، بلکه حقیقت X را هم باید تبیین نماید.».

۷- «اگر مشخص کنیم که تشنگی (همانند گرسنگی) ناشی از کاهش منابع فیزیکی انسانی اما اجتناب از محاسبه‌ای منطقی است، آن گاه می‌توانیم تمنای او را ناشی از خردش بدانیم. (c2-e3) علاوه بر این، باید روحش را از هر دو جدا کنیم: انسانی می‌تواند از تمنای خود عصبانی باشد یا خردش عصبانیتش را محکوم کند.» (سس ۱۲-۸، ص ۶۵۹)

'If we specify that the thirst arises (like hunger) from physical depletion, but the refusal from rational calculation, we can distinguish his appetite from his reason (c2-e3). Further, we must separate his spirit from both: a man may be angry with his appetites, or his reason may condemn his anger.'

(سس ۱۶-۱۲، ص ۴۰۰)

فضای بحث مربوط است به استدلال افلاطون در باره وجود اجزاء سه‌گانه نفس. مطلب اصلی که وی بدان استناد دارد، عبارت است از وجود سرچشمه‌های متقابل برای خواهش‌ها (desires). با این مقدمه می‌توان چندین نکته نامفهوم و نادرست در ترجمه تشخیص داد:

الف- خلط مهمی که رخ داده عبارت است از توجه اندک به اصطلاحات خاص افلاطون برای وجود اجزاء سه‌گانه نفس. همین امر سبب شده است که مترجم محترم، کلمه 'appetite' را هم مانند واژه 'desire'، به لغت تمنای ترجمه نمایند که در اینجا، نادرست است. لفظ 'appetite' در علم‌النفس افلاطونی، اصطلاح خاصی است برای جزء یا قوه شهویه. چنین خلطی در مورد کلمه‌های 'soul' و 'spirit' هم رخ داده است. و مترجم هر دو را به کلمه روح ترجمه کرده‌اند. مثلاً در سطر ۶ از همان صفحه ۶۵۹، کلمه 'soul' به درستی به روح ترجمه شده است. اما لغت 'spirit'، بعنوان اصطلاح خاص افلاطونی بر جزء یا قوه غضبیه از نفس دلالت دارد.

ب- برخی عبارتهای متن نیز نامناسب یا نادرست ترجمه شده‌اند. منظور ترجمه عبارتهای 'physical depletion' به "کاهش منابع فیزیکی" و 'rational calculation' به "محاسبه‌ای منطقی" و ترجمه فعل 'distinguish' به "ناشی بودن" است. عبارت نخست، بر تخلیه یا کاهش مواد غذایی بدنی اشارت دارد. در عبارت دوم، بجای منطقی

باید معنای عام عقلی / عقلانی جایگزین گردد. اصطلاح منطقی به طور خاص در یک متن فلسفی معادل مناسبی است برای کلمه 'logical'. فعل 'distinguish' هم به معنای جدا کردن / تمیز دادن است. تعبیر "اما اجتناب از" هم بخاطر همراه نبودن با قرینه‌ای، مبهم می‌نماید. طبق متن، قرینه عبارت است از نوشیدن آب.

ترجمه پیشنهادی: «اگر مشخص کنیم که تشنگی (مانند گرسنگی) به موجب کاهش ذخیره بدنی است، اما پرهیز از [نوشیدن آب]، بخاطر محاسبه‌ای عقلانی است، در اینصورت شهود وی را می‌توانیم از عقل‌اش تمیز دهیم (e3-c2). بعلاوه، قوه غضبیه را نیز باید از آندو جدا سازیم: ممکن است شخصی از دست شهواتش، خشمگین باشد یا ممکن است عقل وی، خشم‌اش را سرزنش نماید.»

۵. نتیجه‌گیری

طبق آنچه بطور گزینشی از ترجمه فارسی تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون به قلم آقای حسن مرتضوی تحت دو عنوان صوری و محتوایی، بررسی شد، می‌توان بطور نسبی نتیجه گرفت که مواردی چون شتابزدگی در قرائت برخی کلمه‌ها، توجه کم به فضای فکری و کلی مباحث، آشنایی ناکافی به بعضی تعالیم فیلسوفان یونانی و ویراستار نداشتن یا ویراستاری نکردن متن ترجمه، از دلایلی است که همگی دست‌بده‌ها و برخی سهوها یا آسیبها را در ترجمه فارسی اثر پدید آورده‌اند. نتیجه حاضر، مطلق نیست لیکن، شواهد ذکر شده نمونه‌هایی از ترجمه اثر مورد بررسی هستند و بصورت نسبی، وضعیت حاکم بر آن را نشان می‌دهند. نگارنده این نوشته، دغدغه آنرا داشت که ادب را فرو نگذارد و بر حوزه سلیقه شخصی نیز وارد نگردد. با همه این، امید است در مطالب گفته شده، دو سه نکته مفیدیافت شده و چه بسا مترجم محترم را در ویرایش نوین اثر خویش یاری رساند.

کتاب‌نامه

- افلاطون. (۱۳۶۶)، مجموعه آثار افلاطون، ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی
- تایلور، سی. سی. دبلیو. (۱۳۹۰)، تاریخ فلسفه راتلج: از آغاز تا افلاطون، (جلد یکم)، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران: نشر چشمه
- تیلور، س. س. و. (۱۳۹۲)، تاریخ فلسفه غرب: از آغاز تا افلاطون، ترجمه حسن فتحی، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

- خوانساری، محمد. (۱۳۷۶)، فرهنگ اصطلاحات منطقی، چاپ دوم با اضافات، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- صفوی، کورش. (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، چاپ اول، تهران: کتاب ماد
- فرحزاد، فرزانه. (۱۳۷۰)، نخستین درسهای ترجمه، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- David B. Guralnik, editor in chief. (1972), second edition, USA: Webster's New World Dictionary. The World Publishing Company
- Hornby A. S. (2005), Oxford Advanced Learner's Dictionary. Seventh edition, UK: Oxford University Press
- Plato. (1994), Plato, The Collected Dialogues, ed. by: E. Hamilton and H. Cairns, fifteenth printing, USA: Princeton University Press
- Taylor, C. C. W. (1997), Routledge History of Philosophy, From Beginning to Plato, first printing, London and New York: Routledge